



رهایی از اعتیاد، استاد پرویز را به زندگی برگرداند و او را بانی حیات دوباره دیگر معتادان کرد

ترک باشما، کار با من

عکس: شیرین قائمی/شهرآرا

۵۴

سفر به گذشته محله سیدرضی
 همراه با خاطرات زهرا زارعی، یکی از ساکنان قدیمی

وقتی صف نفت، همسایه‌ها را
 به هم پیوند می‌داد

۶



۳

نبود سرعت‌کاه و دوربین در خیابان کاظمیه
 این معبر را به بستری برای سرعت‌های سرسام‌آور
 و تیک‌آف‌های شبانه تبدیل کرده است
نبود ایمنی در روز و آرامش در شب

۷

باشگاه مسجد جواد الائمه^(ع)، زمینه رشد جسمی و
 روحی ورزشکاران محله را فراهم کرده است
قهرمانی در سایه اخلاق

همسایه به همسایه، دیدار چهل و یکم، کوچه شهید ستاری ۱۵

خانه مریم خانم تالار عروسی کوچه ما

فاطمه سیرجانی در میان هیاهوی زندگی شهری و روابط کم رنگ شده همسایگی، هنوز هم هستند خانه هایی که در آن ها مهر و همدلی نفس می کشد. در خیابان شهید ستاری ۱۵ در محله شریف، همسایگانی زندگی می کنند که سال ها است همراه هم هستند. در زمان های مختلف یاری رسان هم بوده اند و به همسایه داری دلسوزانه معنا بخشیده اند. لایه لای جست و جواز این همسایه های نیک اندیش می رسمیم به اسم مریم مهدویان.

دری همیشه باز به روی همسایه ها

مریم مهدویان از نخستین ساکنان شهرک نیروی هوایی است. او و همسرش که در نیروی هوایی خدمت می کرده است، اوایل دهه ۷۰ از بندرعباس به این محله آمده اند. نه تنها قدیمی های محله، که تازه وارد ها هم از مریم خانم به نیکی یاد می کنند و از روی گشاده و دست و دل بازی اش می گویند.

یکی از اهالی می گوید: در خانه مریم خانم همیشه به روی همسایه ها باز است و دست خیرش، غریبه و آشنایمی شناسد. یکی از بانوان مسجدی هم از حیاط باصفا و درخت انجیر خانه مریم خانم می گوید که تابستان ها بساط دورهمی شان زیر سایه آن درخت پهن است و میوه انجیرش را بشقاب بشقاب به در خانه همسایه ها می برند.

مریم مهدویان آنچه را در این سال ها در ذهن همسایه ها به نیکی ماندگار کرده است، مایه خیر دنیا و آخرتش می داند و درباره همسایه داری می گوید: همسایه ای خوب است که مردم دار باشد. آزارش به کسی نرسد و چیزی که برای خود می خواهد، برای همسایه اش هم بخواهد. همین رفتارها آدم ها را به یکدیگر نزدیک می کند.



خانه ای که نماد شادی بود

تعریف های بسیاری درباره این مادر شنیده ایم و حالا اوست که باید همسایه خوب محله را به ما معرفی کند. مریم خانم می گوید: خیرالنساء رستمیان که همسایه روبه روی خانه ماست، سه دهه است همسایه ماست و حالا برایمان مثل خواهر شده است.

مریم خانم از علاقه خیرالنساء خانم به کارهای امدادگری و طب سنتی این گونه تعریف می کند: ایشان با دوره هایی که گذرانده، حسابی به درد همسایه ها می خورد و طبیب محله ماست. خیرالنساء رستمیان می گوید: من خیلی از این کارها را از خود مریم خانم یاد گرفته ام. بارها پیش آمده است که همسایه ها برای گرفتن فشار خون یا درمان های سنتی از من کمک خواسته اند. حتی چند بار نوزاد هایی را که به سبب بی تجربگی مادران جوان، حالشان وخیم بوده است، با کمک خدا از بیماری سخت نجات داده ام.

علاوه بر این ها به گفته همسایه ها خانه دو طبقه و بزرگ خیرالنساء خانم تا حدود دو دهه قبل، تالار عروسی اهل محله بود. او در تعریف همسایه خوب از سه خصلت گشاده رویی، مهربانی و گذشت نام می برد.

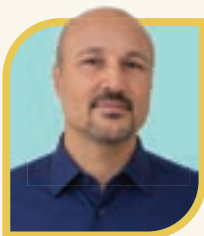
مادری برای یتیمان،

فرزندانی برای سالمندان

سو مین همسایه خوب کوچه شهید ستاری ۱۵ را خیرالنساء رستمیان معرفی می کند: مهناز آریان منش که باب دوستی و آشنایی شان در مجلس عزای امام حسین (ع) در منزل مریم خانم شکل گرفت. خیرالنساء خانم تعریف می کند: این بانو در سه کار همیشه در محله ما خوش نام بوده است.

او ادامه می دهد: اول اینکه ایشان بسیار یتیم نواز است و در این مدت حواشش به بچه های یتیم محله ما بوده است. دوم اینکه هوای مسن ترها را دارد و به آن ها سر می زند، سوم هم اینکه ایشان آشپز افتخاری محله ماست که در هر مجلسی، پای کار همسایه هاست.

مهنار خانم که خانه دار است، ۶ سال قبل از محله سید رضی به این محله آمده است. او می گوید: معتقدم زکات تن و بدن سالم، خدمت به بنده افتاده و ناتوان است. من اگر قدمی برای خدا بردارم، چند برابرش در زندگی خودم جاری و ساری می شود. وقتی یک نفر قدم خیر بردارد، زمینه حال خوب را فراهم می کند: من از همسایه هایم خوبی دیده ام و سعی می کنم آن را جبران کنم.



درخت شویی راه تنفس درختان منطقه ۱۱ را باز کرد

جان دوباره چنارها و سروها

بهشتی انبوهی فضای سبز شهرداری منطقه ۱۱، طرح درخت شویی گونه های خاص را برای دومین بار در سال جاری، اجرایی کردند. رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۱۱ با اعلام این خبر گفت: مدتی بود که درخت شویی، از دستور کار شهرداری منطقه خارج شده بود. خوشبختانه در دو ماه اخیر با تأمین منابع آبی، این اقدام در دو مرحله اجرایی شد تا ما منطقه ای سرسبزتر و زیباتر داشته باشیم.

سید محمود ثریایی در توضیح درخت شویی در منطقه گفت: شست و شوی گونه های برگ سوزنی به رفع آلودگی درختان، تنفس بهتر و همچنین افزایش عمر آن ها کمک می کند. ما این اقدام را همراه با توتکشی درختان در ماه های اخیر برای درختان کاخ و سرو انجام دادیم.

او ادامه داد: برنامه درخت شویی در بولوارهای فرهنگ، معلم و آموزگار که بیشترین تعداد درخت کاج و سرو را دارند اجرایی شد و در مجموع بیش از ۵ هزار و ۷۰۰ اصله درخت شست و شو شدند. ثریایی با اشاره به ضرورت آبرسانی به مجموعه های فضای سبز گفت: در صورت تأمین منابع آبی یک بار دیگر در پایان مرداد، طرح درخت شویی در این معابر اجرا خواهد شد.

نوجوانان در اتاق فکر نو «ترافیک»

به همت کتابخانه فرهنگ سرای ترافیک، دوره تابستانی «اتاق فکر نو» برای نوجوانان در این مجموعه راه اندازی شد. در این دوره ها نوجوانان درباره موضوع های مختلف از جمله حشرات، ماشین ها و سازه ها که از سوی مربی اتاق تعیین می شود، تحقیق می کنند و در جلسات ارائه می دهند.

مادران منطقه ۱۱، در کلاس امداد و نجات

به همت مدیریت بوستان مادر و کودک، کلاس های امداد و نجات ویژه مادران برگزار شد. طی این دوره سه ساعته، مربیان مجرب جمعیت دوام ثامن، چگونگی حفظ آرامش در زمان بروز حادثه، امداد رسانی به افراد آسیب دیده، درمان سرپایی و انواع آتل بندی را به مخاطبان آموزش دادند.

لکه گیری آسفالت در بولوار فرهنگ

نیروهای اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۱۱ در هفته گذشته و در پاسخ به مطالبات شهروندان، لکه گیری آسفالت بخشی از بولوار فرهنگ را انجام دادند. طی این عملیات عمرانی چاله های مسیر آسفالت بولوار فرهنگ در بیش از ۲۱ نقطه و به مساحت بیش از ۲۵۰ متر مربع ترمیم شد تا تردد ایمن برای شهروندان مهیا باشد.





نبود سرعت‌گاه و دوربین در خیابان کاظمیه این معبر را به بستری برای سرعت‌های سرسام‌آور و تیک‌آف‌های شبانه تبدیل کرده است

نبود ایمنی در روز و آرامش در شب

سیدمصطفی بهشتی | خودروهای سواری با سرعت زیاد از پی یکدیگر می‌رسند و عبور می‌کنند. حتی خودروهای سنگین هم در این مسیر شهری، بیش از هشتاد کیلومتر بر ساعت سرعت دارند. تردد خودروها با سرعت زیاد در خیابان کاظمیه، ایمنی عابران پیاده را تهدید می‌کند و نبود سرعت‌گاه، دوربین‌های نظارتی و علائم ترافیکی، سبب نارضایتی اهالی این معبر شده است. معبری که در پنج سال اخیر بایبگیری اهالی و با آسفالتی مطلوب به بهره‌برداری رسید، حالا مسیری شده است برای راندن ماشین با سرعت زیاد و دور دورهای شبانه.



۱۲

خطر عبور از عرض خیابان

با وجود تردد چندباره در این مسیر، وقتی صحبت‌های اهالی رادرباره خیابان کاظمیه می‌شنویم، برای اولین بار توجه ما به برخی موضوعات جلب می‌شود. به عنوان مثال ما از مسیری به طول حدود دو کیلومتر عبور می‌کنیم که هیچ واحد تجاری و حلقه ترافیکی‌ای ندارد و در این شرایط هیچ خبری هم از سرعت‌گاه نیست. مرضیه کهن که اولین بار این موضوع را با ما در میان گذاشته بود، توضیح می‌دهد: این خیابان واقعا شرایط خاصی دارد و به همین دلیل است که سرعت ماشین‌ها در این اینجا زیاد است. یک طرف خیابان به صورت سرتاسری هنرستان کشاورزی است، سمت دیگر هم تا نصف مسیر چندسازمان دولتی قرار دارد و بعد از آن فضای مسکونی داریم. در کل مسیر هیچ واحد تجاری‌ای فعالیت نمی‌کند. به این دلیل است که این خیابان بیشتر یک محور مواصلاتی است. هیچ ترافیکی یا محل توقفی در مسیر ایجاد نمی‌شود و همین باعث شده است که سرعت خودروها زیاد باشد.

این شهروند ادامه می‌دهد: در روز، عبور از عرض این خیابان واقعا کار خطرناکی است؛ چون سرعت ماشین‌ها به حدی زیاد است که وقتی می‌خواهی عبور کنی، فکر می‌کنی خیابان خالی از ماشین‌ها شده است اما به یک باره خودرویی که در فاصله دور بوده است، به سرعت از مقابلت عبور می‌کند.

جمع شدن بساط دور دور با نصب سرعت‌گاه

در ادامه بررسی این مشکل محلی با جواد کریم پور، از ساکنان خیابان کاظمیه، گفت و گو می‌کنیم که به دور دورهای شبانه در این مسیر معترض است. او توضیح می‌دهد: مشکل ما فقط تردد روزانه و سرعت زیاد نیست. این مسیر چون نه سرعت‌گیر و سرعت‌گاه دارد و نه دوربین نظارتی، محل مناسبی شده است برای دور دورهای شبانه. عده‌ای هستند می‌آیند در این مسیر سرعت می‌گیرند، تیک‌آف می‌کنند. آخر

شب که خیابان خالی است با هم مسابقه می‌دهند و این کارها شده محل آسایش ماسک‌کنان.

او ادامه می‌دهد: از ابتدای سال، به خاطر همین دور دورهای شبانه، دو تصادف در این مسیر اتفاق افتاده است. اگر سرعت‌گاه نصب شود، بساط سروصدای شبانه و کارهای خطرناک در این خیابان هم جمع می‌شود.

نصب سرعت‌گاه یا تسریع در اجرای طرح ترافیکی

رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۱۲ ضمن تأیید نبود علائم ترافیکی لازم در خیابان کاظمیه می‌گوید: این معبر در سال‌های اخیر شکل گرفته است. درصد سکونت آن پایین بوده و فاقد واحدهای تجاری است. از طرفی به واسطه آنکه خیابان کاظمیه، استاندارد‌های لازم معبر شهری را دارد، تاکنون درخواستی در خصوص تغییر المان‌های ترافیکی و ایمنی در این مسیر مطرح نشده بود.

یاسر ابراهیمی مقدم ادامه می‌دهد: با توجه به شناختی که از این محدوده شهری وجود دارد، تخلفاتی که از سوی شهروندان مطرح شده، قابل درک است و در سریع‌ترین زمان ممکن، برای رفع تخلفات اقدام می‌کنیم تا ایمنی تردد در این مسیر فراهم شود.

او در پایان توضیح می‌دهد: از شهروندانی که این درخواست‌ها مطرح کرده‌اند، تقاضا کردیم که این مشکل را به صورت مکتوب به واحد حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه منتقل کنند تا ما درخواست آن‌ها را پشتیبان بگیریم و اقدام اجرایی قرار دهیم. بنابراین ظرف بازه‌ای سه ماهه دوراها کار را پیش می‌بریم؛ اگر بررسی کارشناسی و اقدام لازم در دایره کار شهرداری منطقه باشد برای نصب سرعت‌گاه اقدام خواهیم کرد. همچنین موضوع را با سازمان ترافیک شهرداری مشهد مطرح خواهیم کرد تا اگر طرحی مرتبط برای این معبر تعریف شده است، روند اجرای آن را تسریع کنیم.

شنبه‌های فرهنگی در توس

نشست شنبه‌های فرهنگی، با محوریت توس و حکیم ابوالقاسم فردوسی در باغ آرامگاه برپا می‌شود. این سلسله جلسات از دو هفته قبل و با موضوع بررسی سفر تاریخی رهبر شهید انقلاب اسلامی به توس آغاز شد و تا پایان تابستان در روزهای اول هفته برپا می‌شود. در این نشست ها قرار است هویت فرهنگی و تاریخی توس بررسی شود.



۱۲

آسفالت به جای مسیر خاکی در ۴ معبر علویه

در ادامه اجرای پروژه‌های عمرانی شهرداری منطقه ۱۲ و تحقق شعار «شهر ایمن، شهر هموار»، چهار معبر فرعی خیابان علویه ۱۷ آسفالت شد. خیابان‌های شهید مشایخی ۷۰۶، ۵ و ۸، چهار مسیری هستند که تا هفته گذشته، خاکی بودند و با اعتبار ۷۵ میلیارد ریالی از سوی معاونت فنی و اجرایی شهرداری منطقه نونوار شدند.

مسدود شدن بزرگراه سیدالشهدا (ع) تا پایان عملیات

عملیات احداث بزرگراه مشهد - چناران که از دو ماه قبل در منطقه ۱۲ آغاز شده بود، با انجام اقدامات عمرانی ادامه دارد. در همین راستا انتهای بزرگراه سیدالشهدا (ع) که به بولوار مجیدیه متصل می‌شود، تا اطلاع ثانوی مسدود است. در حال حاضر عملیات زیرسازی مسیر انجام می‌گیرد و پس از پایانی عملیات، مجدداً بازگشایی می‌شود.

بچه‌های جاهد شهر در مسجد امام خمینی (ره) درس نجات آموختند

نوجوانان، آماده امداد

مهلا آموزگار (خبرنگار افتخاری) | جمعیت «دوام ثامن» منطقه ۱۲، بابت برگزاری کارگاه امدادگر کوچک، درس‌های ایمنی و امداد و نجات را به زبان بازی و مهارت به نونهالان و نوجوانان آموزش دادند. در این برنامه که با استقبال گرم خانواده‌های منطقه ۱۲ در مسجد امام خمینی (ره) جاهد شهر برگزار شد، چگونگی امداد رسانی به آسیب دیدگان و رعایت نکات ایمنی در قالب برنامه‌های تعاملی آموزش داده شد.

اعضای دوام ثامن منطقه ۱۲، تلاش کردند ضمن آشنا کردن بچه‌ها با مخاطرات احتمالی، توانمندی آن‌ها را برای مواجهه با چالش‌ها بالا ببرند.

فاطمه امیری، رابط دوام ثامن منطقه ۱۲، توضیح داد: هدف اصلی ما برگزاری این کارگاه هادر محلات، نهادینه سازی فرهنگ ایمنی از سنین پایه است. وقتی نوجوانان با ما هم اولیه امداد آشنایی شود، نه تنها اعتماد به نفس او در مواجهه با خطرات افزایش می‌یابد، بلکه او به یک سفیر ایمنی در خانواده تبدیل می‌شود.



۱۲

رهایی از اعتیاد، استاد پرویز را به زندگی برگرداند و او را بانی

ترک باشما، کار

حسین برادران فرا در ابتدای گفت‌وگو در میان یک کارگاه پرس و صدا در محله در حالی که رویه رویم نشسته است، جمله ای جا می‌خورد: بیست ساله هستم! وقتی تعجبم را می‌بیند، برای سؤال بعدی فرصت می‌دهد: این تاریخ تولد شناسنامه‌ای من نیست و است؛ یعنی بعد از کنار گذاشتن اعتیاد و بازگشتم به آغوش کسی که پیش روی ما به مصاحبه نشسته «استاد پرویز» از وسط کارگاهش تا محله‌های اطراف به همین لقب او که دوست ندارد نام فامیل و تصاویر واضحش در شود، حالا هم قهرمان زندگی خودش است و آدم‌های دیگر. استاد پرویز مردی است که در پی دست مردان پر شمار دیگری را گرفته است. بوده تا بر سطور روزهای اعتیاد، نقطه پایا و برسند اول خط زندگی.

باصبر راه پاکی را یافتیم

فکر و ذهنم شده بود مواد

پرویز جوان بعد از درگیری‌ها و مشکلات بسیاری که اعتیاد به مواد مخدر برایش ایجاد کرده بود، به فکر مهاجرت از شهر زادگاهش افتاد تا شاید به این وسیله از چنگال اعتیاد رهایی یابد. او می‌گوید: سال ۱۳۶۹ همراه خانواده به مشهد مهاجرت کردم و در بولوار شاهنامه ساکن شدم. کارگاه کوچک آهن‌فروشی و جوشکاری در محله راه‌انداختند و مشغول به کار شدم. در گوشه‌ای از کارگاه بساط مواد مخدر پهن کرده بودم. این کار را بدون هرگونه احتیاط و مخفی‌کاری انجام می‌دادم و بارها اخطار گرفته و تهدید به زندان رفتن شده بودم. کوچ به مشهد هم فایده‌ای برایم نداشت. باینکه فکر می‌کردم با دور شدن از محیط آلوده به مواد مخدر پاک می‌شوم و توبه خواهم کرد، این طور نشد و من همچنان یک معتاد بودم. با وجود این استاد پرویز اعتقاد راسخی داشت که آن معجزه الهی و رهایی از اعتیاد درباره او اتفاق خواهد افتاد و همین طور هم شد. او با بیان لطف الهی که شاملش شد، می‌گوید: یک روز که در کارگاه بودم، مأموران کلانتری به سراغم آمدند و من را با هفت گرم مواد مخدر دستگیر و روانه زندان وکیل‌آباد مشهد کردند. شانزده روز با تکلیف بودم تا حکم آزادی‌ام با جریمه نقدی صادر شد. در این مدت و تا زمان آزادی که ۲۱ روز طول کشید، تصمیم گرفتم که مواد مخدر را کنار بگذارم؛ چون در زندان هم با پول می‌توانستی مواد گیر بیاوری و بکشی. بعد از ۲۱ روز پاکی با پرداخت جریمه نقدی از زندان آزاد شدم. بعد از آزادی تصمیم گرفتم با ورزش و عبادت خودم را مشغول و از بازگشت دوباره به سمت اعتیاد جلوگیری کنم. او که از یک مسیر سخت برای رسیدن به پاکی عبور کرده بود تعریف می‌کند: در همین زمان که این تصمیم را گرفته و در حال عملی کردن ایده‌ام بودم، یکی از دوستانم به نام فرج که استاد بنایی بود، به دیدنم آمد. ۴۵ روز از ترک اعتیادش گذشته بود و وقتی اراده و تصمیمم را برای ترک اعتیاد شنید، خیلی خوشحال شد و من را با گروه مردمی

مثل خیلی از آدم‌هایی که پس از ترک اعتیاد حرف‌های زیادی برای گفتن دارند، او هم پیرانرژی و با انگیزه سر صحبت را باز می‌کند. استاد پرویز تعریف می‌کند: خدا را شکر، سال‌هاست که از بیماری اعتیاد رها شده‌ام و بعد از گذشت نزدیک به بیست سال، حتی یک ماده محرکه و اعتیاد آور مصرف نکرده‌ام و پاک پاک هستم. الان به اندازه یک جوان بیست ساله انرژی و انگیزه برای زندگی و کار کردن دارم. نکته شایان توجه درباره آقا پرویز بیست ساله بعد از نجات از دام بیماری اعتیاد، همت بلند اوست که با حمایت‌های معنوی، شغلی و اعتباری خود، مسیر نجات تعداد زیادی از گرفتاران به اعتیاد را فراهم کرده است. استاد پرویز که اصالتی شیروانی دارد، حدود شصت سال سن دارد و بنا به گفته خودش با توجه به اینکه افراد معتادی در محیط زندگی‌اش حضور داشته‌اند، از سنین نوجوانی گرفتار مواد مخدر شده است. آقا پرویز با یادآوری آن روزهای سخت می‌گوید: متأسفانه از سن کودکی بارها و بارها شاهد مصرف مواد مخدر توسط افراد بزرگ‌تر اطرافم بودم و در اثر همین مجاورت و استنشاق مواد مخدر به مرور زمان و بدون آنکه متوجه شوم، گرفتار اعتیاد شدم. به گفته استاد پرویز، گرفتار شدن او به مواد مخدر، آینده تحصیلی‌اش را تحت تأثیر قرار داد و از ادامه تحصیل بازماند. با گذشت سال‌ها اعتیاد در جسم و جان پرویز ریشه دواند و تا سال‌های جوانی ادامه پیدا کرد. او می‌گوید: همه ذهن و فکر مرا اعتیاد به مواد مخدر گرفته بود؛ به هیچ چیز دیگر فکر نمی‌کردم و فقط به دنبال پیدا کردن و کشیدن مواد بودم.

درک درد مشترک معتادان دیگر

استاد پرویز بر اساس آموزه‌هایی که در جلسات انجمن معتادان گمنام آموخته، بعد از ترک اعتیاد همه تلاش و همت خود را برای نجات دیگر معتادان به کار برده است. او با اشاره به داشتن درد و بیماری مشترکی که بین معتادان وجود دارد، می‌گوید: حمایت این جمله معروف که «باید به مصیبتی گرفتار شوی تا سختی آن را بفهمی، شنیده‌اید. بر همین اساس شما تا گرفتار اعتیاد، بدبختی‌ها و ترس‌های آن نشده باشید، درک درستی از اثرات مخرب این مواد بر ذهن و رفتار انسان پیدا نخواهید کرد. او تعریف می‌کند: آنجا بود که به مفهوم درد مشترک با معتادان رسیدم و اراده کردم همان طور که خودم را نجات داده‌ام، دیگران را نجات دهم.

حیات دوباره دیگر معتادان کرد

کار با من

جویری کار می کردند
که یاد مواد نمی افتادند

استاد پرویز بعد از بازگشت به روال عادی زندگی و افتتاح دوباره یکی از بزرگ ترین کارگاه های آهن فروشی و اجرای سقف های شیب دار، با جذب افراد معتاد در کارگاه خود و ایجاد شغل، شرایط بهتری را برای ادامه مسیر ترک آن ها فراهم کرده است. او در تأیید این مطلب می گوید: بزرگ ترین مشکل یک معتاد ترک کرده پیدا کردن کار و تأمین مالی خودش و خانواده اش است. متأسفانه در جامعه ما نگاه به یک معتاد بایک مجرم سابقه دار یکی است؛ البته این نگاه امروز خیلی تغییر کرده اما سال ها قبل، این طور نبود و کسی جرئت نداشت که به یک معتاد ترک کرده کار بدهد؛ چون نمی خواست گرفتار عواقب احتمالی آن بشود. او توضیح می دهد: آن زمان معتادان زیادی بودند که به دلیل پیدا نکردن شغل، ناامید و افسرده به دامان اعتیاد بازمی گشتند. من به آن ها کمک مالی و پول نقدی نمی کردم؛ از آن ها کار می خواستم و در قبال کاری که انجام می دادند، مزد می گرفتند. همچنین اگر کار بنایی، ساختمانی و حمل بار داشتم، از این افراد استفاده می کردم. این روش، در کنار تمرینات روحی سبب شده بود حسابی بچسبند به کار و پول درآوردن و یاد مواد نمی افتادند.

بیمان
فردوسی
ی می گوید که

نمی دهد و توضیح
زمان تولد دوباره ام
ش خانواده و جامعه.
رویز، است؛ کسی که
ب شناخته می شود.
این مصاحبه آورده
هم قهرمان زندگی
ی کنار زدن اعتیاد،
و یار یگر آن ها
نی بگذارند

ترک معتادان در کوه های
هزار مسجد

استاد پرویز از سه سال قبل به عنوان راهنمای انجمن معتادان گمنام در این جلسات حضور یافته است و هدایت افراد این جلسه را تا مرحله رهایی و پاکی کامل انجام می دهد. حضورش در این جلسات، به عنوان فردی که نزدیک بیست سال سابقه پاکی از مواد مخدر را دارد، امیدبخش است و عزم آن ها برای ترک کردن بیشتر می شود.

استاد پرویز علاوه بر حضور در جلسات معتادان گمنام برای ترک معتادان در منزلشان نیز بسیار فعال است. او با ذکر خاطره ای در این باره توضیح می دهد: یک بار برای ترک دو معتاد که از عشایر کوه های هزارمسجد بودند، به کوهستان رفتم؛ ساعات و روزهای زیادی را در کنار آن ها بودم و بعد از اینکه ترک کردند، به مشهد بازگشتم.

استاد پرویز در قبال این کارها هیچ انتظار و دستمزدی نمی خواهد؛ چون معتقد است که دعای خیر خانواده های آن ها برایش کافی است و پیشرفت شغلی، داشتن خانواده و فرزندان سالم و خوب را از نتایج همین کارهای خیر می داند. او می گوید: روزهای اول، کارم را از یک مغازه کوچک شروع کردم و حالا کارگاه بزرگی دارم که چند نفری از قبل آن نان می خورند. دود خنر و دوپسر دارم که خدا را شکر همگی سالم و دارای تحصیلات دانشگاهی هستند من همه این موفقیت ها را با الطاف الهی و بعد از ترک اعتیاد به دست آوردم.

خیال راحت همه مشکلات و دغدغه هایشان را بیان می کردند؛ مسیر بهبودی و سلامتی را با سرعت بیشتری طی می کردند و لغزش کمتری داشتند.

سفر به یادماندنی کربلا با
بچه های کارگاه

استاد پرویز که به قول خودش زمانی به دلیل اعتیاد و اثرات سوء آن از عالم و آدم بریده و طلبکار بود، بعد از ترک اعتیاد، به ارزش های دینی، اعتقادات مذهبی و عشق به کشور و میهن بازگشت. او می گوید: در خانواده ای معتقد و مذهبی بزرگ شده بودم. یادم است در عزاداری های ماه محرم همراه با هیئت محله مان عزاداری و سینه زنی می کردم و مثل همه آرزوی رفتن به کربلا و زیارت امام حسین ^(ع) را داشتم اما همه این اعتقادات تحت تأثیر مواد مخدر فراموش شده و از بین رفته بود. اما خدا خواست و بعد از ترک اعتیاد به اعتقادات و ارزش های قبلی بازگشتم و در اولین فرصت راهی سفر کربلا شدم. حال و هوای آن سفر و مسیری که طی کردم، وصف نشدنی است. مثل کودکی تازه متولد شده و پاک بودم که به زیارت امام حسین ^(ع) می رفتم. تأثیر این سفر معنوی به اندازه های عمیق بود که برای دومین مرتبه نیز راهی کربلا شدم. دو مرتبه نیز توفیق این را داشتم که همراه با بچه های کارگاه در زیارت و پیاده روی مسیر اربعین شرکت کنم.

گوش هایی برای شنیدن
معتادان

کار در کارگاه استاد پرویز برای معتادان تازه ترک کرده در یک دهه اخیر امتیاز دیگری نیز داشته است که خودش درباره آن توضیح می دهد: چون خود من تجربه اعتیاد داشتم و به قول معروف تا ته خط رفته بودم، با حال و هوای این بچه ها آشنا بودم و با صحبت کردن و نشستن پای درد دل ها و مشکلات زندگی شان به نوعی نقش راهنما و مشاور را برایشان داشتم. این سابقه مشترک سبب اقبال بیشتر آن ها به بنده بود و با



سفر به گذشته محله سیدرضی، همراه با خاطرات زهرا زارعی، یکی از ساکنان قدیمی

وقتی صف نفت، همسایه‌ها را به هم پیوند می‌داد



ایستگاه اول



این ساختمان قدیمی و نماآجری در جلال‌آل احمد ده ۵، اوایل دهه ۶۰ شعبه نفت محله ما بود. یک تانکر بزرگ آهنی در حیاط خانه بود که هر از گاه با ماشین می‌آمدند پرمی کردند. بعضی روزهای سرد، صف تا حدود سی متر کشیده می‌شد. خلوت تر هم که می‌شد، خود مرحوم آقارضا، مالک شعبه نفت، گالن‌های نفت را برای هم محله‌ای‌ها می‌برد.

فاطمه سیرجانی | محله برای خیلی از ما فقط چند کوچه و خیابان نیست؛ دفتر خاطرات زندگی مان است. برای آن‌هایی که سال‌هاست در محله سیدرضی زندگی کرده‌اند، حرف زدن از گذشته، یعنی دوباره ورق زدن روز‌هایی که دیگر نیستند. وقتی پای صحبت‌های زهرا زارعی، یکی از ساکنان قدیمی، می‌نشینیم، انگار زمان برای چند لحظه برمی‌گردد به عقب. او از گذشته محله‌ای می‌گوید که امروز خیلی تغییر کرده است. قدم زدن همراه با او در محله سیدرضی، به ما صف‌های طولانی دهه ۶۰ و ۷۰ و صمیمیت اهالی برای پیشرفت محله را به خوبی یادآوری می‌کند.

ایستگاه دوم

همسر، شهید محمد توحیدی، سال ۱۳۶۷ در جبهه مجروح شد و بعد دود ده به واسطه آثار ناشی از آن جراحت به شهادت رسید. او برای آبادانی محله خیلی زحمت کشید؛ از دوندگی برای ساخت جوی و جدول تا کاشت درختان محله و نصب تیرهای چراغ برق. روزی هم که شهید شد، کوچه جلال‌آل احمد ۴۸ سیاه پوش شد.

ایستگاه سوم

ایستگاه چهارم

مسجد امام رضا (ع) | خیابان سیدرضی را چهار سال قبل ساختند. وقتی تصمیم به ساخت گرفته شد، گوسفندی نذر ساخت مسجد کردم. کربلا بودم که خبر دادند ساخت مسجد شروع شده است. از همان جاسفارش کردم پول یک گوسفند را به متولیان مسجد بدهند.



ایستگاه پنجم



خانواده حاج خانم هما جاویدی سال‌ها جلوتر از ما به این محله آمده‌اند. در این سال‌ها همیشه رفیق و همراه بوده ایم. الان هم با اینکه خانه‌اش آپارتمانی است، میزبان مجالس مناسبتی بسیاری است و خانه‌شان برای اهالی محله پراز خاطره است.

ایستگاه ششم



اوایل دهه ۷۰ این درختان توت و شاه توت را از اردوگاه سپاه امام رضا (ع) گرفتیم و در خیابان جلال‌آل احمد کاشتیم. او اسط بهار که می‌شد، بساط توت خوری همسایه‌ها زیر این درختان پهن بود. بعدتر باغچه‌ها را پر کردیم از سبزی و گوجه و خیار. از آن زمان تا الان درختان مایه سرسبزی محله ما هستند.

جای این ساختمان نما سنگ در خیابان جلال‌آل احمد ده ۵، زمانی تنها حمام عمومی محله قرار داشت. این حمام بزرگ سر نبش بود و صبح‌ها زانانه بود و از غروب، مردانه می‌شد. البته اوایل دهه ۷۰ اکثر خانه‌های اینجا نوساز بود و حمام داشت، اما چون هنوز لوله‌کشی نشده و گاز به این محله نیامده بود، حمام محله رونق خوبی داشت.



عکس: فاطمه سیرجانی/شهرآرامش



باشگاه مسجد جوادالائمه^(ع)، زمینه رشد جسمی و روحی ورزشکاران محله را فراهم کرده است

قهرمانی در سایه اخلاق

بهشتی اباهر فنی که اجرایی کنند، صدایشان در پله ها و راهرو می پیچد: تمرین و رقابت، فضا را داغ کرده است. شب هادر باشگاهشان، شور و هیجان کاراته کارها به چشم می خورد. عصر ها ژیمناستیک کارها در فضایی آرام تر ورزش می کنند و صبح ها و ظهر ها هم بانوان برای حفظ سلامتی، برنامه دورهمی ورزشی خود را برپا می کنند.

اینجا یک سالن ورزشی است، اما نه از آن فضاهای وسیعی که در بیشتر نقاط شهر می بینیم؛ سالی کوچک در طبقه بالای مسجد جوادالائمه^(ع) محله الهیه است که هم قهرمانان ورزشی تربیت کرده و هم به رشد اخلاقی و شخصیتی ورزشکاران نسل جدید محله کمک کرده است.

● اصل خاص باشگاه ما

سالن ورزشی مسجد جوادالائمه^(ع)، سه سال بعد از تکمیل خود مسجد، یعنی در سال ۱۴۰۲ راه اندازی شد. خیران محلی با حمایت شهرداری، این مجموعه را راه اندازی کردند تا کانون ورزش قهرمانی و همگانی در خیابان اقدسیه ۳ باشد. این سالن اکنون به صورت کامل کف پوش شده است و امکانات رشته های ژیمناستیک، کاراته، بوکس و ورزش گروهی را در خود دارد. از نونهالان گرفته تا بزرگ سالان در این مجموعه ورزش می کنند، آن هم با یک اصل خاص: اول اخلاق، بعد ورزش.

نگار حسینی وند، مربی ژیمناستیک مجموعه، می گوید: طبق درخواست مسئولان مسجد و اصول ورزش قهرمانی، ما از جلسه اول روی

اخلاق ورزشکارانمان کار می کنیم و معتقدیم که قهرمانی بدون اخلاق و رفتار درست ارزشی ندارد. همین موضوع باعث شده است خانواده ها از حضور بچه هایشان در این فضا استقبال کنند و ما هم می بینیم که اعضای باشگاه به مرور زمان به لحاظ اخلاقی و رفتاری رشد می کنند.

● افتخار آفرینی کاراته کارها

افتخار آفرین ترین رشته سالن ورزشی مسجد جوادالائمه^(ع)، کاراته بوده است. پسران و دختران کاراته کار این باشگاه توانسته اند از قهرمانی در ناحیه آموزش و پرورش تارفتن روی سکوی کشوری را تجربه کنند؛ ورزشکارانی که در واقع به واسطه این مسجد بارشته کاراته آشنا شده اند. محمد امین صالحی فریکی از این افراد است که می گوید: از سه سال قبل که سالن راه اندازی شد، در باشگاه

کاراته ثبت نام کردم و به واسطه آموزش های خوب و تمرینات مرتب توانستم سال گذشته در مسابقات کاراته شهرستان مشهد، مقام دوم را به دست بیاورم.

در بخش دختران باشگاه کاراته هم این افتخار آفرینی رقم خورده است. مهسا فضلی دختری است که توانسته سال قبل در مسابقات قهرمانی استان در درجه نوجوانان مقام اول را کسب کند. او توضیح می دهد: من و پدر و مادرم از شش سال قبل هرشب به مسجد جوادالائمه^(ع) می آییم. دو سال و نیم قبل، یک شب در بین مراسم اعلام کردن بدیه زودی باشگاه کاراته افتتاح می شود. من همان روزهای اول ثبت نام و سخت تمرین کردم تا بتوانم به قهرمانی استان برسم. به گفته او خیلی از مربیان مسجدی هستند و این آشنایی باعث شده است که بهتر باهم کار کنند و نتایج خوبی بگیرند.

● خیال راحت والدین از باشگاه مسجد

فعالیت سالن ورزشی مسجد جوادالائمه^(ع) در محله الهیه خیال خانواده ها را از دردسترس بودن فضای ورزشی امن و سالم برای فرزندانشان راحت کرده است. نسرين حق پناه مادری است که دو فرزند دختر و پسرش از باشگاه کاراته مجموعه استفاده می کنند. او می گوید: سالن ورزشی مسجد محله ما دو حسن دارد. اول اینکه هزینه آن یک سوم مجموعه های خصوصی است و دوم اینکه وقتی فرزندمان را به باشگاه مسجد می فرستیم، با شناختی که از مربیان و مسئولان اینجا داریم، خیالمان از امنیت و سلامت دختر و پسرمان راحت است.



نوجوان محله دانشجو همراه هم تیمی هایش در جشنواره خوارزمی استان افتخار آفریدند

اول شدن با خودرو خودران

امید محله

خراسان رضوی، برنامه ای طراحی کرده بودیم و به عنوان تیم اول استان انتخاب شدیم. در سال دهم هم در بخش طراحی و ساخت خودروهای خودران برای مسابقات دانش آموزی، تیم ۳ نفره مامقام اول استانی و سوم کشوری را کسب کرد که بهترین افتخار من بوده است.

● ساخت خودرو شما چه مدت زمان برد؟

الگوریتمی که انتخاب کرده بودیم، سنگین بود و ساخت این خودرو حدود شش ماه زمان برد. من و هم تیمی هایم از همان ابتدا برای اول شدن قدم برداشتیم.

● از چالش های این مسیر برایمان بگو.

بزرگ ترین چالش در کنار سنگینی کار و هزینه های زیاد ساخت این خودرو، شروع جنگ دوازده روزه و قطع اینترنت بود. استرس جنگ و تردید درباره برگزار شدن رقابت یک قسمت ما را مجبور کرد قطع شدن اینترنت و قطع ارتباط با منابع، بخش دیگر ماجرا.

● مسابقه در کجا و به چه شکل برگزار شد؟

به دلیل شرایط جنگی، امکان برگزاری حضوری مسابقات فراهم نبود. پژوهش سرای روباتیک، بنر بزرگی در اختیار ما قرار داد که مسیرهای خودروها روی آن طراحی شده بود. در یکی از اتاق های خانه، فضای اجرای مسابقه آماده شد و به صورت آنلاین مسابقه برگزار شد.

● اوقات فراغت را چطور می گذرانی؟

بهترین تفریح من انجام کارهای تحقیقاتی و پژوهشی است. الان در کنار تدریس و مشاوره در یکی از مراکز آموزشی بایک تیم پژوهشی که هم فکر هستیم، فعالیت های علمی و پژوهشی را در دست داریم.

● چه چیزی در دنیای روباتیک برایت جذاب است؟

اینکه چیزی را خلق می کنم که براساس برنامه من پیش می رود، برایم شیرین است.

● اولین روباتی که ساخته ای، چه بوده است؟

آن را در سال هشتم مدرسه ساختم که یک اسباب بازی بود و بارهای کوچک را جابه جا می کرد. این روبات در مسابقات پژوهش سرهای مشهد اول شد.

● از دیگر موفقیت ها و مقام های علمی که تا الان کسب کرده ای، بگو.

سال نهم در جشنواره خوارزمی استان



فاطمه سیرجانی در کوچه پس کوچه های محله دانشجو، در هنرستانی که صدای خنده و همهمه، همیشگی است، نسل جدیدی از نوآوران در کلاس های روباتیک حاضرند. وقتی از مربی شان سؤال می کنیم، همه آن ها را آینده دار می داند و امیر حسین کرامتی را به عنوان اولین نفر به ما معرفی می کند. او دانش آموز سال یازدهم رشته نرم افزار و شبکه است.

این نوجوان خلاق دانش آموز هنرستان تیزهوشان امیرکبیر است. امیر حسین مسیر موفقیت و افتخار آفرینی خود را با کسب مقام های اول و دوم استانی و کشوری گام به گام طی کرده است. اما آخرین پرده از درخشش او، در سال دهم و در میانه هیجان مسابقات روباتیک و طراحی خودروهای خودران رقم خورد و با کسب مقام اول استانی و سوم کشوری، افتخار آفرین شد.

● چه شد که رشته شبکه و نرم افزار را انتخاب کردی؟

سال نهم یکی از معلم ها و احد درسی ای را طراحی کرده بود که در آن در درس اول، تست شخصیت از ما گرفته می شد. بعد براساس نتایج آن تست، درباره شغل هایی که به شخصیت ما نزدیک تر بود و آدم های موفق در آن حرفه تحقیق می کردیم. طی چند مرحله من به این نتیجه رسیدم که رشته شبکه و نرم افزار مورد علاقه ام و آینده دار است.



انتهای کوچه امیری ۱۳ به باغ وسیع عامل زاده می‌رسد، باغی پر از درختان سرسبز که به توجه به طرح تفصیلی و قرارداد مالکان با مجموعه مدیریت شهری در سال‌های آینده، جای خود را به بوستان‌های شهری و بناهای مسکونی می‌دهد.



بازار محله خلیج فارس در طبقه همکف مجتمعی به همین نام شکل گرفته است. مغازه‌داران این بازار قبل از شکل‌گیری خیابان امیری و از اوایل دهه ۸۰، به عنوان تنها کسبه محلات امیری و نقویه در این محدوده فعال بوده‌اند.

معبری رو به آبادی

سید مصطفی بهشتی | برخلاف اکثر کوچه‌ها و خیابان‌های امیری، تمام قطعات زمین در کوچه امیری ۱۳ ساخته شده‌اند یا در حال شکل‌گیری بنا هستند. به این واسطه، یکی از معابر کامل محله است که با بازارچه آغاز می‌شود و انتهای آن به باغ و مجتمع می‌رسد. تغییر چهره این کوچه که طول کمی دارد در دود دهه اخیر رقم خورده و طی این مدت، محدوده‌ای کاملاً خاکی تبدیل به معبر شهری امروز شده است.

کوچه امیری ۱۳
محله امیری



پیاده‌روهای امیری ۱۳، از ورودی کوچه تا انتهای نقاط مختلف نیاز به نوسازی دارند. این اقدام اگر اجرایی شود هم تردد شهروندان را تسهیل می‌کند و هم به زیبایی بیشتری این معبر کمک می‌کند.

مسجد و حسینیه حضرت زینب کبری (س) از فعال‌ترین مجموعه‌های خیریه منطقه ۱۲ در زمینه حمایت از بیماران نیازمند است. حاج صالح، خیری است که این مسجد را ده سال قبل برای شادی روح پدرش علی حسین؟ ساخت.



مجتمع صبا بزرگ‌ترین مجموعه مسکونی در حال ساخت منطقه ۱۲ است. ساخت صبا در انتهای امیری ۱۳ با بیش از هزار واحد مسکونی از پنج سال قبل آغاز شد و حالا به مراحل پایانی کار خود نزدیک می‌شود.